

فصلنامه علمی- پژوهشی «پژوهش زبان و ادبیات فارسی»

شماره بیستم، بهار ۱۳۹۰: ۲۰۵-۱۸۳

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۰۳/۳۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۰۹/۱۷

## تحلیل نشانه- معناساختی رمان‌های سیاسی فارسی از ۱۳۵۱-۱۳۸۰<sup>۱</sup>

مصطفی گرجی\*

### چکیده

یکی از جریان‌های داستان‌نویسی معاصر، ادبیات داستانی سیاسی است که عنوان‌های این دسته از آثار به نسبت سایر جریان‌های داستان‌نویسی و با توجه به درونمایه آن، قابل تأمل است. بر این اساس بررسی و تحلیل این جریان با تأکید بر نام‌های آن- به‌عنوان یک واحد معنادار و مستقل- گونه‌ای از گونه‌های نقد داستان است که عمدتاً به انگیزه کشف جریان فکری حاکم بر متن انجام می‌شود. در این مقاله نویسنده حدود صد عنوان از نوع ادبیات داستانی سیاسی را با توجه به مآخذ معتبر، شناسایی و با روش نشانه- معناساختی (البته در معنای عام آن) بررسی و تحلیل کرده است. ترتیب تاریخی انتخاب به این گونه بوده است که دهه اول (۱۳۵۱-۱۳۶۰) بیست و دو داستان؛ دهه دوم (۱۳۶۱-۱۳۷۰) سی و سه داستان و دهه سوم (۱۳۷۱-۱۳۸۰) چهل و شش داستان انتخاب شده است. بررسی زبانی این آثار نشان می‌دهد که عنوان‌های بسیط نه درصد و عنوان‌های ترکیبی دو و سه جزیی هشتاد و شش درصد کل عنوان‌ها را در بر می‌گیرد. دلایل و عوامل این امر؛ علاوه بر تأمل نویسندگان در تحریض خواننده، در بنیاد این نوع ادبی نهفته است که ابهام و ابهام را می‌طلبد. نگاه معرفت‌شناسانه به این مجموعه‌ها نشان داد که حدود سی درصد این نام‌ها با مفاهیمی همچون درد و رنج انسان درآمیخته است که بیشترین این تعداد مربوط به دهه دوم با چهل و پنج درصد است. نکته دیگر قابل تأمل در تحلیل نشانه- معناسازی این عنوان‌ها، توجه به نوعی تقابل در انتخاب عنوان داستان‌ها، عنوان‌های دال بر ایستایی در یک مقطع و پویایی در مقطع دیگر و دال بر رهایی در یک مقطع و بستگی و اسارت انسان در مقطع دیگر است.

**واژه‌های کلیدی:** ادبیات داستانی- ادبیات انقلاب اسلامی- رمان سیاسی.

---

۱. این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی «بررسی و تحلیل ادبیات داستانی سیاسی معاصر» است که در پژوهشگاه علوم انسانی جهاد دانشگاهی در حال انجام است.

\* دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور و پژوهشگر پژوهشگاه علوم انسانی جهاد دانشگاهی  
Gorjim111@yahoo.com

## مقدمه

یکی از روش‌های بررسی و تحلیل آثار ادبی، عنوان‌شناسی و تحلیل اسامی مجموعه آثار یک گفتمان و دوره زمانی خاص است که علی‌رغم اهمیت و ارزش این روش، در پژوهش‌های آکادمیک کمتر بدان توجه شده است.<sup>(۱)</sup> بر این اساس، اگر بررسی و تحلیل عنوان‌شناسی مجموعه آثار یک نویسنده یا شاعر، می‌تواند به بررسی دقیق‌تر مضامین و خطوط فکری آن اثر کمک کند؛ بررسی و نقد نام و عناوین آثار چاپ شده در یک بازه زمانی خاص نیز (مثلاً نام‌شناسی رمان‌های جنگ<sup>(۲)</sup> در دهه خاصی) می‌تواند به کشف خطوط و جریان فکری حاکم بر درون مایه آثار از یک سو و جریان فکری حاکم بر آن دوره منجر شود. با این رویکرد این نوع از تحلیل؛ با توجه به دانش نشانه‌شناسی (semiotics)<sup>(۳)</sup> که بررسی رابطه دال (نشانه) با مدلول (اندیشه) است<sup>(۴)</sup> و به ویژه نشانه‌شناسی کاربردی که بررسی و تحلیل یک متن به مفهوم گسترده آن و در دل شبکه‌ای از لایه‌ها است (سجودی، ۱۳۸۷: ۲۷۹) بر آن است که این رویکرد در مورد ادبیات داستانی و رمان‌های معاصر نظیر رمان‌های تاریخی، رمان‌های اجتماعی، رمان‌های فیمینیستی و... پژوهشی گسترده را می‌طلبد که می‌تواند در جریان‌شناسی ادبیات داستانی معاصر قابل تأمل و اعتنا باشد.

بر این اساس یکی از این مجموعه ادبیات داستانی معاصر به ویژه سه دهه اخیر (۱۳۵۱-۱۳۸۰) ادبیات داستانی سیاسی است که به دلیل نوع و جنس و ویژگی‌های منحصر به فرد آن بیشتر محل تأمل است و لاجرم نام‌شناسی و عنوان پژوهی این آثار نیز به دلیل ابهام و پوشیدگی ذاتی، انتقادهای تند و گزنده، اصل روایت داستانی آن و... امری ضروری به نظر می‌رسد. مقصود از ادبیات و رمان سیاسی در این بستر نوع ادبی خاصی است که بزرگترین مشکل یا یگانه مشکل و یا علت العلل مشکلات و مسائل در ذهن شخصیت‌های داستان، رژیم سیاسی حاکم بر جامعه، نوع مناسبات قدرت و نبود آزادی سیاسی از یک سو؛ نقد رجال یا اندیشه سیاسی و یا تشریح انتقادی یک حادثه سیاسی مشخص از سویی دیگر است. در راستای این پژوهش، چند اصل بدیهی به نظر می‌رسد. اولاً انتخاب نام اثر ادبی (رمان) معمولاً در پایان تالیف اثر صورت می‌پذیرد و ثانیاً غالباً میان جریان حاکم بر متن و عنوان رمان ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. بر این اساس عنوان اثر از آنجایی که صورت اجمالی و فشرده آن چیزی است که بر آن از یک

سو و جهان ذهنی نویسنده از سویی دیگر حاکم است می‌تواند به کشف لایه‌های گفتمان پنهان حاکم بر یک دوره ادبی منجر شود. با این توجه بوطیقای نام‌شناسی ادبیات داستانی سیاسی یا نشانه‌شناسی عنوان‌های داستان‌های سیاسی ده‌های اخیر؛ این فرضیه را در آغاز به ذهن القا می‌کند که به احتمال قریب به یقین، مجموعه عنوان‌های ادبیات داستانی سیاسی هر دوره‌ای به طور عام و دوره مورد نظر از سنخ خاصی و قاعدتاً با نام‌های سایر جریان‌های داستانی متفاوت باشد.

پیش از ورود به بحث اصلی و تحلیل عناوین رمان‌ها باید گفت که نشانه‌شناسی دانشی است که به مطالعه نظام‌های نشانه‌ای نظیر زبان‌ها، رمزگان‌ها، نظام‌های علامتی و غیره می‌پردازد (گیرو، ۱۳۸۷: ۱۳) و نشانه نیز در دانش نشانه‌شناسی<sup>(۵)</sup> همواره در تعامل، چالش، تباری، پذیرش، طرد، تناقض، تقابل، همگرایی، واگرایی، همسویی، دگرسویی، همگونگی و دگرگونگی با نشانه‌های دیگر (نشانه‌های درون‌متنی و بیرون‌متنی) فرایندی را می‌آفریند که این فرایند خود راهی به سوی تولید معنا (شعیری، ۱۳۸۵: ۱) و راهی برای تحلیل فرهنگ یا جهان ذهن و مطالعه تغییر معنا در زبان و در روابط بین علائم و نمادها است. لذا در دانش نشانه‌شناسی بحث بر سر این است که چه قواعدی بر نشانه‌ها اعم از نشانه‌های کلامی یا غیرکلامی حاکم است (دانسی، ۱۳۸۷: ۵۷). نشانه‌شناسی در این بستر و به‌عنوان بخشی از تلقی ساختارگرایانه به متن، دانشی است که به‌صورت میان رشته‌ای با دانش‌هایی همچون معناشناسی، مطالعات فرهنگی و... ارتباط نزدیکی دارد، به گونه‌ای که تحلیل‌های مربوط به مطالعات فرهنگی در ذات خود می‌تواند با دانش نشانه‌شناسی عجین شود. به‌عنوان نمونه بررسی آگهی‌های صدا و سیما در ایران که توسط حسین پاینده و به‌عنوان بررسی یک آگهی تلویزیونی از منظر مطالعات فرهنگی انجام شد؛ به نوعی با زمینه‌ها و مولفه‌هایی از دانش نشانه‌شناسی درآمیخته است (پاینده، ۱۳۸۵: ۱۴۷-۱۸۳). در این نوع از تحقیقات، پژوهشگر با توجه به نشانه‌های تصویری به جای نشانه‌ای مندرج در متن مکتوب (واژه و...) به ارتباط این نوع از نشانه‌ها با گفتمان حاکم بر جامعه می‌پردازد.

با این نگاه و با توجه به نظرگاه نشانه‌شناسانی چون فردینان دو سوسور که هر دالی را به یک تصور صوتی و هر مدلولی را به یک تصور مفهومی نسبت می‌دهد و نشانه زبانی را فرایندی می‌داند که نه یک شی را به یک نام که یک مفهوم را به یک تصور صوتی

پیوند می‌دهد (سجودی، ۱۳۸۷: ۱۸) درباره نشانه-معناشناسی<sup>(۶)</sup> عنوان رمان‌ها و داستان‌های سیاسی دوره مورد بررسی نیز<sup>(۷)</sup> این پرسش‌ها را می‌توان مطرح کرد:

- آیا میان انتخاب نام‌های آثار یک نویسنده در این ژانر در طول زمان رابطه معناداری وجود دارد؟

- چند درصد این نام‌ها رمانتیک، واقع‌گرای اجتماعی و نماد‌گرای سیاسی و ... هستند؟

- آیا تغییر و تبدل از نام‌های کلاسیک به سمت نام‌های غیر رئالیستی (سمبولیستی) دیده می‌شود؟

- چند درصد نام‌ها یک ساحتی و چند درصد ترکیبی و چند درصد عبارتی و... است؟

- آیا بین نام‌های (دال) مجموعه آثار یک دوره رابطه معناداری وجود دارد؟ و...

با توجه به گستردگی هر یک از موارد ذیل، پاسخ‌گویی به همه این پرسش‌ها در بخش رمان‌های سیاسی ده‌های اخیر (۱۳۵۱-۱۳۸۰) نیازمند تحقیقات مفصل و بیشتری است. در این بستر نویسنده با توجه به سوالات پایانی (۳ و ۴ و ۵) و به ویژه سوال آخر سعی می‌کند آن را بکاود. با این توجه یکی از شیوه‌های نو در بررسی یک متن و جریان فکری حاکم بر آن، بررسی، تحلیل و نقد عنوان‌ها و اسامی بخش‌های درونی آن در معنای فراگیر است که می‌تواند مبین تطورات و تحولات فکری حاکم بر یک متن از یک سو و فضای کلی اندیشگانی و گفتمانی حاکم بر خالق آن متن از سوی دیگر (با توجه به سوال آخر) باشد. البته این فرایند و این نوع بررسی اگر چه درباره متن خلاقه‌ای چون شعر، قابل اعتمادتر به نظر می‌رسد که نمونه این نوع از تحلیل، مقاله شفیع کدکنی (زمینه اجتماعی شعر فارسی، ۱۳۸۶: ۴۴۰-۴۴۸) است؛<sup>(۸)</sup> در حوزه نثر و ادبیات داستانی نیز این نام‌شناسی و عنوان پژوهی قابل تأمل است. با این نگاه می‌توان گفت یکی از الگوهای بررسی و تحلیل متن ادبی؛ مسئله تحلیل ساختار متن یا انسجام متن با توجه به نام و عنوان‌های اصلی آن است که شامل روابط و مناسبات میان جملات و عباراتی است که در یک مجموعه آورده می‌شود تا اثر را به یک ساختمان منسجم و همبسته تبدیل کند. چرا که میان عنوان و مقدمات هر جزء هنری و ادبی با شاکله متن ارتباط تنگاتنگی وجود دارد که کشف این ارتباط در محورهای زبانی، ساختاری و محتوایی می‌تواند به تحلیل واقعی متن بینجامد.

در این میان ارتباط عنوان یک اثر به‌عنوان یک نشانه (دال) در معنای عام با محتوای آن (مدلول) اولاً و ارتباط عنوان اصلی یک متن- به ویژه رمان سیاسی- و عنوان‌های فرعی داخل متن با روح و روان مآتن ثانیاً و رابطه عنوان یک متن با مجموعه عناوین مشابه آن نوع ادبی در همان دوره، ثالثاً؛ مسئله‌ای است که کمتر در تحقیقات ادبی بدان توجه شده است. بر این اساس نویسنده در این جستار سعی می‌کند مجموعه نام‌های ادبیات داستانی سیاسی سه دهه اخیر را (۱۳۵۰-۱۳۸۱) در حوزه عنوان‌شناسی با توجه به دانش نشانه‌شناسی (معنای عام نشانه) بررسی و تحلیل کند. نشانه‌شناسی در معنای عام آن، به این دلیل است که هر واژه از جمله عنوان یک اثر؛ نشانه و دال‌هایی هستند که به مدلول و معنوی‌هایی دلالت دارند و هدف این جستار تحلیل این رابطه است. رابطه‌ای که بالذات میان یک نظام معرفتی (مدلول) و یک نظام نشانه‌ای (دال) وجود دارد (گیرو، ۱۳۸۷: ۸۰). بر این اساس عناصر ساختاری تحلیل (نشانه‌ها) و عناصری که بر فرایند ارتباط بین نشانه‌ها اثر می‌گذارند (مجموعه عناصر فرامتنی همچون موقعیت اجتماعی، فرهنگی و ایدئولوژی و نیت مولف و مصرف متن و ...) در رابطه با هم بررسی و تحلیل خواهند شد (کوثری، ۱۳۸۷: ۳۱-۵۶). با توجه به این ادعا باید گفت همچنانکه در دانش نشانه‌شناسی؛ معنای هر متنی تحت تأثیر بافت (context) است و بافت نیز موقعیتی است که متن در آن ساخته می‌شود (دانسی، ۱۳۸۷: ۸۱)؛ نام‌های منتخب برای متون و آثار یک دوره نیز به‌عنوان یکی از اجزاء آن متون؛ باید در همان بافت خاصی که آن عنوان شکل گرفته بررسی و تحلیل شود. نکته دیگری که باید در این مسیر بدان توجه داشت اینکه عنوان‌های اثر ادبی در حکم یک دال به مدلول‌هایی اشاره دارد که یکی از این مدلول‌ها خود متن است. لذا در این تحلیل، استفاده از دانش نشانه‌شناسی به معنای کشف رمز دلالت نشانه‌ها (در این جا نام رمان‌ها) و چگونگی فرایند معنا دهی آنها است (سجودی، ۱۳۸۴: ۱۱۳). نشانه‌ای که به تعبیر سوسور مفهومی دو وجهی است؛ سکه‌ای که یک روی آن دال (تصویر آوایی) و روی دیگر آن مدلول (مفهوم و معنا) است (همان: ۱۸۶). یادکرد این نکته نیز لازم است که در تحلیل نشان‌شناختی متون نوشتاری، اولین واحد معنا دار، کلمه هستند (همان: ۴۸) لذا در این پژوهش از میان مجموعه اجزای متون مورد بررسی در یک بازه زمانی سی ساله؛ عنوان و نام‌های آثار

تحلیل خواهد شد. البته پیشتر قبل از تحلیل این عنوان‌ها از نظر نظام معرفتی و معنایی، لازم است به بررسی ابتدایی آن بر اساس دوره و بازه تاریخی بپردازیم.

### بررسی زبانی عنوان‌ها به ترتیب تاریخ انتشار

نگاه کلان به مجموعه داستان‌های سیاسی سه دهه اخیر (۱۳۵۱-۱۳۸۰) نشان می‌دهد که تعداد این داستان‌ها به احتمال قریب به یقین حداقل صد و یک اثر است<sup>(۹)</sup> که به ترتیب تاریخی، دوره اول (۱۳۵۱-۱۳۶۰) بیست و دو داستان؛ دوره دوم (۱۳۶۱-۱۳۷۰) سی و سه داستان؛ دوره سوم (۱۳۷۱-۱۳۸۰) با چهل و شش داستان است. بر این اساس دهه سوم به دلایل مختلف سیاسی و اجتماعی بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده است. در این قسمت، ابتدا عنوان‌های هر مجموعه به صورت مستقل و به ترتیب تاریخ آفرینش، بررسی و سپس در دو حوزه زبانی (ساخت واژه‌ای، گروه‌های دو جزئی، گروه‌های سه جزئی، ساخت جمله) و عناصر مربوط به تکنیک تحلیل می‌شود. یادکرد این نکته لازم است که دلیل انتخاب بررسی زبانی (واژه و تکنیک) در تحلیل نشانه- معنانشناسی متون نوشتاری این است که به باور محققان نشانه‌شناسی؛ اولین واحد معنادار در زبان کلمه است (کوثری، ۱۳۸۷: ۴۸) و هر کلمه به‌عنوان یک نشانه، از رهگذر رابطه‌ای که با موضوع خود دارد ساخته می‌شود (مکاریک، ۱۳۸۵: ۳۲۹). ضمن اینکه این واحد سنجش (کلمه به‌عنوان یک دال) در تعارض با نحو (روابط صوری یک نشانه با نشانه دیگر بدون در نظر گرفتن معنای آنها) و پراگماتیکس (استفاده از زبان در موقعیت عملی) قرار می‌گیرد (کوثری، ۱۳۸۷: ۵۶-۳۱).

جدول ۱ سیر تاریخی تعداد رمان‌های سه دهه شصت، هفتاد و هشتاد

دوره تاریخی	۱۳۶۰-۱۳۵۱	۱۳۷۰-۱۳۶۱	۱۳۸۰-۱۳۷۱
تعداد	۲۲	۳۳	۴۶

### الف) دوره نخست

داستان‌های مربوط به دهه اول<sup>(۱۰)</sup> (۱۳۵۱-۱۳۶۰)؛ بیست و دو عنوان است که بیشترین عنوان‌ها مربوط به سال ۱۳۵۹ با هشت عنوان است. نکته قابل تأمل اینکه در

این سال همه هشت عنوان داستان سیاسی، فاقد هر گونه ابهام، ایهام و غموض<sup>(۱۱)</sup> است و خواننده با دیدن عنوان این رمان‌ها می‌تواند سیاسی بودن آنها را حدس بزند.

جدول ۲ سیر کمی تعداد داستان‌های دهه شصت

سال	۱۳۵۴-۱۳۵۰	۱۳۵۵	۱۳۵۶	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰
تعداد	۰	۱	۱	۳	۶	۸	۳

نگاه دستوری و زبانی به این مجموعه نشان می‌دهد که چهار مورد از عناوین از نوع ساخت واژه‌ای<sup>(۱۲)</sup> هستند که ۱۸٪ کل کتاب را شامل می‌شود. نه مورد از عناوین از نوع ساخت گروه‌های دو جزئی<sup>(۱۳)</sup> هستند که ۴۰٪ کل عنوان‌ها را به خود اختصاص داده است. هفت مورد از عناوین از نوع ساخت گروه‌های نحوی سه جزئی<sup>(۱۴)</sup> و بیشتر هستند که ۳۱٪ کل عنوان‌ها را در بر می‌گیرد. همچنین دو مورد از عناوین از نوع ساخت جمله است که ۹٪ عنوان‌ها را شامل می‌شود.

جدول ۳ نگاه زبان شناختی به آثار دهه شصت

تعداد	نوع ترکیب و ساختار عنوان
۴	واژه‌ای
۹	دوجزیبی
۷	سه جزئی و بیشتر
۲	جمله‌ای
۲۲	جمع

### نام‌ها و تکنیک

بیشتر عنوان‌های ادبیات داستانی این دوره از نوع ساده و یک معنایی و فاقد آرایه زیباساختی است. به گونه‌ای که غالباً، عنوان‌ها با یک براعت استهلالی همراه است و نشان از یک واقعه تراژیک و فاجعه دارند (آتش، زمستان، مویه، پاییز، دژخیم، سلول، زندان، دیو، سگ، نسل از یاد رفته). نکته جالب توجه اینکه بسیاری از این عنوان‌ها بدون توجه به اصل و فضای رمان، دال بر ادبیات سیاسی و ادبیات زندان دارند که نشان

از این دارد. در این دوره رمان‌ها عموماً در حال و هوای رئالیستی نوشته شده‌اند و نام‌هایی هم که برای آنها انتخاب می‌شوند با توجه به فضای حاکم بر داستان زود یاب و قابل فهم هستند. البته رئالیسم به این معنا که مجموعه حوادث آن، ریشه در رخداد‌های واقعی مشخص و تاریخی دارد. اگرچه در یک نگاه، به خاطر نگاه به آینده و جامعه آرمانی بعد از حکومت توتالیتار و نظامی، رنگ و بوی ایدالیستی هم دارد. واژگانی چون «مویه»، «پاییز»، «زمستان»، «دژخیم»، «سلول»، «زندانی»، «آتش»، «دیو» و... از این قبیل هستند. در برخی دیگر از عنوان‌ها و نام‌های آثار این دوره استعاره‌ها و مجازهایی به کار رفته است که عموماً این استعاره‌ها هم از نوع مکنیه هستند. از نمونه این موارد می‌توان به «سگ و زمستان بلند»، «سپیده»، «دیوساران» و «آتش بدون دود» اشاره کرد. برخی از عنوان‌های این مجموعه نیز به یک زمان و یا مکان یا اسم خاصی اشاره دارد. «قصه‌ای پاییزی»، «سگ و زمستان بلند»، «سپیده» به یک زمان مشخص و «یک شهر»، «صورت خانه»، «کلیدر» به یک مکان و «جای خالی سلوچ»، «سال‌های اصغر»، «بر ما چه رفته است باربد» به یک نام مشخص اشاره دارند. همچنین برخی دیگر از عنوان‌های این مجموعه نیز خنثی هستند که از این نوع می‌توان به «یک شهر»، «مادرم بی بی جان»، «ملاقاتی‌ها»، «گام‌های پیمودن»، «به کی سلام کنم»، «خسته اما رهرو»، «حاجی زاده» و «بره گمشده راعی» اشاره کرد.

#### ب) دوره دوم

داستان‌های مربوط به دهه ۱۳۶۱-۱۳۷۰، سی و سه عنوان<sup>(۱۵)</sup> است که بیشترین عنوان مربوط به سال ۱۳۷۰ با شش عنوان است.

#### جدول ۴ سیر کمی تعداد داستان‌های دهه هفتاد

سال	۱۳۶۱	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰
تعداد	۲	۴	۱	۱	۳	۴	۴	۴	۴	۶



نگاه دستوری و زبانی به این مجموعه نشان می‌دهد که هیچ مورد از عناوین سی و سه گانه از نوع ساخت واژه‌ای نیستند. هجده مورد از عناوین از نوع ساخت گروه‌های دو جزئی هستند که ۵۵٪ کل عنوان‌ها را به خود اختصاص داده است. سیزده مورد از عناوین از نوع ساخت گروه‌های نحوی سه جزئی و بیشتر هستند که ۳۹٪ کل عنوان‌ها را در بر می‌گیرد. همچنین دو مورد از عناوین از نوع ساخت جمله است که ۶٪ عنوان‌ها را شامل می‌شود.

#### جدول ۵ نگاه زبان شناختی به آثار دهه هفتاد

تعداد	نوع ترکیب و ساختار عنوان
۰	واژه‌ای
۱۸	دوجزبی
۱۳	سه جزبی و بیشتر
۲	جمله‌ای
۳۳	جمع

#### نام‌ها و تکنیک

بیشتر عنوان‌های این دوره برخلاف دوره پیش که بیشتر یک معنایی و فاقد ابهام و ایهام بودند و لذا بسیاری از آنها بدون توجه به اصل و فضای حاکم بر رمان، بر حال و هوای رئالیستی و ادبیات زندان<sup>(۱۶)</sup> دلالت داشتند؛ نیاز به تأمل و تدبر بیشتر دارند. به عبارت دیگر عنوان‌های این دوره به گونه‌ای انتخاب شده‌اند که نوع، جریان و درون مایه داستان را لو نمی‌دهند. بخشی از این ابهام و چندپهلوی بودن به ساختار صرفی و نحوی عنوان‌ها بر می‌گردد که عمدتاً دو یا سه جزبی انتزاعی‌اند. عناوینی چون «چراغانی در باد»، «طبل آتش»، «سمفونی مردگان»، «ثریا در اغما»، «عطر مردگان» از این قبیل هستند. البته این بدین معنا نیست که کاملاً بر خلاف دوره قبل عنوان‌ها، نشان از یک واقعه تراژیک و فاجعه (ادبیات سیاسی و درگیری‌های سیاسی شخصیت‌های داستان با جریان حاکمه) ندارند. چرا که همانند دوره پیش، نوع انتخاب برخی از واژه‌ها در عنوان‌ها، دال بر فضای حاکم بر جریان داستان دارد و خواننده با شنیدن این عنوان‌ها می‌تواند خط سیر حاکم بر داستان را حدس بزند. عنوان‌هایی چون «زمین سوخته»، «محکوم به اعدام»، «درخت‌ها ایستاده می‌میرند»، «آواز کشتگان»، «روضه قاسم»، «سنگسار»، «ثریا در اغما»، «بحث

سیاسی ممنوع» و «شهربندان» از این قبیل هستند. همچنین یکی از عناصر زیباشناسی در عنوان‌های این دوره برخلاف دوره پیش، استفاده از شگردهای زیباشناختی از جمله تشخیص و استعاره مکنیه در عنوان‌هاست که از این قبیل می‌توان به «درخت‌ها ایستاده می‌میرند»، «طوبی و معنای شب»، «طبل آتش»، «آواز نان»، «سمفونی مردگان»، «عطر مردگان» و «باغ بلور» اشاره کرد. همچنین است عدم صراحت، ابهام و ایهام در عنوان‌ها که از این نمونه می‌توان به «چاه به چاه»، «بعد از عروسی چه گذشت»، «رازهای سرزمین من»، «زن بدون مردان» اشاره کرد. یکی دیگر از شگردهای زیباشناسی در این عنوان‌ها استفاده از متناقض نمایی است که «چراغانی در باد»، «آواز کشتگان» و «سمفونی مردگان» از این نمونه‌هاست.

#### ج) دوره سوم

داستان‌های مربوط به دهه ۱۳۷۱-۱۳۸۰ چهل و شش عنوان<sup>(۱۷)</sup> است که بیشترین عنوان مربوط به سال ۱۳۸۰ با دوازده عنوان (۲۶٪) است.

جدول ۶ سیر کمی تعداد داستان‌های دهه هشتم

سال	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰
تعداد	۱	۶	۵	۴	۲	۲	۳	۴	۷	۱۲

نگاه دستوری و زبانی به این مجموعه نشان می‌دهد که پنج مورد از عناوین از نوع ساخت واژه‌ای هستند که ۱۱٪ کل کتاب را شامل می‌شود. نوزده مورد از عناوین از نوع ساخت گروه‌های دو جزئی هستند که ۴۱٪ کل عنوان‌ها را به خود اختصاص داده است. بیست و یک مورد از عناوین از نوع ساخت گروه‌های نحوی سه جزئی و بیشتر هستند که ۴۶٪ کل عنوان‌ها را در بر می‌گیرد. همچنین یک مورد از عناوین از نوع ساخت جمله است که ۲٪ عنوان‌ها را شامل می‌شود.

جدول ۷ نگاه زبان شناختی به آثار دهه هشتم

تعداد	نوع ترکیب و ساختار عنوان
۵	واژه‌ای
۹	دوجزئی

۲۱	سه جزیی و بیشتر
۱	جمله‌ای
۴۶	جمع

### نام‌ها و تکنیک

بیشتر عنوان‌های این دوره نیز برخلاف دوره اول و دوم از حالت رئالیستی بودن خارج و دارای ابهام و ابهام و عمدتاً دو و سه جزیی انتزاعی هستند. عناوینی چون «عقل آبی»، «زنده باد مرگ»، «آداب صرف چای در حضور گرگ‌ها»، «ساعت گرگ و میش»، «هیاهوی پنهان»، «تندیس و رویای گل آبی»، «سایه‌های روی دیوار»، «جزیره سرگردانی» از این قبیل هستند. البته این بدین معنا نیست که کاملاً بر خلاف دوره اول، عنوان‌ها؛ فضا و جریان حاکم بر رمان را به صورت کامل مخفی نگاه می‌دارند. چرا که همانند دوره اول نوع انتخاب واژه‌ها در عنوان‌ها دال بر فضای حاکم بر جریان داستان است و خواننده با شنیدن این عنوان‌ها می‌تواند خط سیر حاکم بر داستان را حدس بزند. عنوان‌هایی چون «سال بلوا»، «خانه اشباح»، «پرتگاه»، «جاسوس»، «محنت آباد» از این قبیل هستند. یکی از عناصر زیباشناسی در عنوان‌های این دوره برخلاف دوره قبل (اول) استفاده فراوان از تشخیص و استعاره است که «عقل آبی»، «آداب صرف چای در حضور گرگ»، «سایه‌هایی روی دیوار»، «خانه اشباح» از این قبیل هستند. یکی دیگر از عناصر زیباشناسی غالب در عنوان‌های این دوره با توجه به نوع ادبی و سیاسی بودن داستان‌ها؛ استفاده از متناقض‌نمایی در عنوان‌هاست که از این قبیل می‌توان به «محنت آباد»، «دهکده بزرگ»، «هیاهوی پنهان»، «ساعت گرگ و میش»، «زنده باد مرگ» و «تهران شهر بی آسمان» اشاره کرد. وجود حس آمیزی در «رویای سرخ» از دیگر عناصر زیباشناسی حاکم بر داستان‌های این دوره است.

### بررسی مقایسه‌ای عنوان‌های ترکیبی سه دوره با رویکرد زبانی و تکنیکی

با توجه به بررسی زبانی مجموعه عنوان‌های رمان‌های سیاسی سال‌های ۱۳۵۱-۱۳۸۰، عنوان‌های به کار رفته به صورت ساخت واژه‌ای نه مورد؛ ترکیب دو جزیی چهل و پنج مورد و سه جزیی و بیشتر چهل و دو مورد و ساختار جمله‌ای پنج مورد است که بر این

اساس انتخاب عنوان‌های ترکیبی دو جزیی و در قالب نحوی جمله کامل به ترتیب بیشترین و کمترین عنوان‌ها را به خود اختصاص داده‌اند.

#### جدول ۸ نگاه زبان شناختی به آثار سه دهه

تعداد	نوع ترکیب و ساختار عنوان
۹	واژه‌ای
۴۵	دوجزبی
۴۲	سه جزیی و بیشتر
۵	جمله‌ای
۱۰۱	جمع

بر این اساس این مسئله می‌تواند نشانگر تمایل نویسندگان به ترکیب‌سازی و ساختن ترکیبات جدید باشد که هر کدام تداعی احساسی خاص در خواننده هستند. اگر ساخت‌های دو و چند جزیی را با هم در یک مجموعه در نظر بگیریم، روشن می‌شود که ۸۷ عنوان از مجموعه ۱۰۱ عنوان این نوع ادبی از سنخ مرکب هستند. نکته دیگر اینکه هر چه از دوره نخست به دوره سوم (۱۳۷۱-۱۳۸۰) نزدیک می‌شویم؛ اقبال به استفاده از عناصر زیباشناسی به ویژه ابهام و استعاره بیشتر می‌شود. ضمن اینکه در میان مجموعه ادوار سه گانه، دوره سوم در حوزه استفاده از عناوین ترکیبی چند جزیی بیشترین بسامد دیده می‌شود که دلایل و عوامل رویکرد به نام‌های چند جزیی؛ علاوه بر تأمل نویسندگان در تحریض خواننده و تجربه نویسندگان ادبیات سیاسی دوره‌های پیشین، در بنیاد این نوع ادبی نهفته است که ابهام، ابهام را می‌طلبد و قاعدتاً این نوع عناوین به نسبت عنوان‌های تک ساحتی؛ نیاز به تدبر و تأمل بیشتری دارد.

#### بررسی عنوان‌های هر دوره با رویکرد معرفت‌شناسی و محتوایی

یکی از نکات مهم قبل از پرداختن به جنبه‌های معرفتی و دورنمایه‌ای این عناوین باید گفت که یکی از موضوعات قابل تأمل در بررسی نشانه-معناشناختی مجموعه نام‌های یک دوره؛ توجه به میزان گرایش مآتن به ساحت ذهن و عین و توجه او به رابطه جهان درون و بیرون در انتخاب نام اثر است که کشف این رابطه میان جهان درون (اندیشه) و

برون (نشانه و دال‌ها) همواره مطمح نظر بسیاری از محققان حوزه دانش نشانه‌شناسی بوده است.<sup>(۱۸)</sup> به گونه‌ای که گرایش هر نویسنده به هر کدام از این دو بُعد می‌تواند یکی از عوامل تعیین کننده جایگاه مولف در جریان‌های ادبی باشد. هر قدر توجه نویسنده به امور انتزاعی بیشتر باشد در احضار کلمات به امور ذهنی و لاجرم واژگان و تعبیر انتزاعی توجه بیشتر دارد و از نظر مکتب‌های هنری هم نویسنده سوررئال و یا رمانتیک محسوب می‌شود و هر قدر میزان و بسامد کلمات عینی و محسوس در کلام و نوشتار او بیشتر باشد نماینده گرایش او به مکتب رئالیست و واقع‌گرایی خواهد بود. البته همان گونه که قبلاً گفته شد مقصود از رئالیسم به این معناست که مجموعه حوادث آن، ریشه در رخداد‌های واقعی مشخص و تاریخی دارد؛ اگرچه در یک نگاه، به خاطر نگاه به آینده و جامعه آرمانی بعد از حکومت توتالیتار و نظامی، رنگ و بوی ایدئالیستی هم می‌تواند داشته باشد. با این نگاه آن چه در این عنوان‌ها، بیشتر قابل توجه است؛ توجه فراوان به‌عنوان‌های ذهنی (subjective) و اسامی‌معنا است که در برابر اسامی‌ذات و حسی (objective) قرار می‌گیرد. شاید یکی از دلایل انتزاعی بودن غالب عناوین، کثرت عنوان‌های ترکیبی باشد که پیشتر بحث شد. در مقابل عنوان‌های ترکیبی (۸۷ عنوان) و عنوان‌های در قالب جمله (۵ عنوان) عنوان‌های با ساخت واژه‌ای قرار دارند (۹ عنوان) که شامل دژخیم، سپیده، کلیدر، زندانی، جاسوس، گیسو، موریانه، روایت و مومیایی است که اگرچه غالباً حسی‌اند؛ با توجه به نوع و جریان حاکم بر اثر، بار نمادین دارند و لذا به دلیل همین چند پهلو بودن می‌توانند از بار انتزاعی نیز برخوردار باشند. نکته جالب توجه اینکه با توجه به کمیت رمان‌های سیاسی در دوره سه گانه یاد شده، بیشتر عنوان‌های تک‌ساختی که غالباً حسی هستند مربوط به دوره نخست‌اند. با عنایت به این طبقه‌بندی از نظر میزان عین یا ذهن گرا بودن عنوان‌ها باید گفت که مجموعه این نام‌ها با رویکرد معناشناختی- معرفت‌شناسی (کیفی) هم در زمینه‌های معنایی مختلف قابل تأمل و بررسی است. با توجه به اینکه مینا و چارچوب کار بر محور دانش نشانه-معناشناسی (در معنای عام) بوده که راهی برای تحلیل جهان ذهن/عین و مطالعه در روابط بین علائم و معنای آن است از یک سو و اینکه اصولاً «نشانه» به‌عنوان یک واحد از مجموعه یک متن نوشتاری یا ... به‌صورت یک مفهوم انتزاعی، منفک و قائم به خود وجود ندارد (سجودی، ۱۳۸۷: ۲۷۵) از سویی و اینکه مناسبت میان دال و مدلول را

قراردادهای اجتماعی معین می‌کند و نشانه‌شناسی معطوف بر کشف مناسبت و پیوند میان اثر (عنوان اثر) و معنای آن است (ضیمران، ۱۳۷۹: ۱۶۸-۱۶۹) از سویی دیگر؛ باید گفت که رابطه عنوان یک اثر به‌عنوان یک نشانه (دال) در معنای عام با محتوای آن در جهان خارج (مدلول) مسئله‌ای است که در چارچوب نشانه‌شناسی قابل بررسی و تحلیل است. چراکه بین این نشانه‌ها (نام) و عناصری که بر فرایند ارتباط بین نشانه‌ها وجود دارد (همچون مجموعه عناصر فرامتنی نظیر موقعیت اجتماعی، فرهنگی و ایدئولوژی و نیت مولف و ...) رابطه معناداری وجود دارد. نکته مهم دیگری که در دانش نشانه‌شناسی در زمینه ارتباط نظام دلالت‌ها وجود دارد و اتفاقاً در بحث حاضر قابل فهم تر است اینکه نشانه‌شناسی همچون سوسور علاوه بر توجه به دلالت دال به مدلول به مفهومی به نام «ارزش» نیز توجه فراوانی دارند. مفهوم ارزش به این معنا که رابطه نشانه‌ها با یکدیگر در درون مجموعه یک نظام چگونه است (سجودی، ۱۳۸۷: ۲۳). بر این اساس؛ در این بستر و با توجه به رویکرد نشان‌شناسی و با عنایت به ضرورت بررسی کیفی این عنوان‌ها؛ باید علاوه بر بررسی مسئله دلالت و اینکه هر دال (نام رمان) با توجه به جهان حاکم بر متن از یک سو و مجموعه جهان حاکم بر فضایی که آن اثر متولد شده از سویی دیگر به چه مدلول/مدلول‌هایی دلالت دارد و چه مفهوم/مفهوم‌هایی را برای مخاطب متن تداعی می‌کند؛ باید به این امر مهم نیز باید پرداخت که رابطه نام‌ها (به‌عنوان یک نشانه) با سایر نشانه‌ها (نام آثار دیگر در همان دوره مورد بررسی) نیز از نظر کیفی و مفهومی از چه لون و کیفی است.

با توجه به بررسی این مجموعه از عناوین در بازه زمانی مورد بررسی؛ چنین بر می‌آید که یکی از موضوعات پربسامد در عنوان‌های رمان‌های سیاسی، توجه به مسئله درد و رنج انسان (نویسنده در مقام فرستنده و خواننده در مقام گیرنده پیام) است. با عنایت به مفهوم درد و رنج و بار معنایی که این واژه با خود حمل می‌کند؛ به جرئت می‌توان گفت یکی از پربسامدترین مفاهیم در عنوان‌های این سه دهه درد و رنج انسان است که نویسندگان در زندگی هنری و بلکه زندگی اجتماعی درگیر این مفهوم و واقعیت بوده‌اند. البته مقصود از رنج و درد در این بستر؛ مجموعه تعبیر، اصطلاحات و مضامینی است که حول محور این دو واژه با توجه به ماهیت درد، علل آن، راه‌های رهایی از آن، نتایج و غایت آن و شأن اخلاقی درد شکل می‌گیرد. با توجه به این نکته،

مجموعه عنوان‌هایی که نویسندگان برای عنوان اثر بر می‌گزینند بسیار قابل توجه و تأمل است. چنانکه خواننده با توجه اولیه به عنوان‌ها می‌تواند به جریان حاکم بر این رمان واقف شوند. اگر با رویکرد عام و فراگیر به مفهوم درد و رنج نگاه کنیم در می‌یابیم که تحقیقاتی عنوان از ۱۰۱ عنوان به صورت مستقیم با این مفهوم ارتباط نزدیک دارند که واژگانی چون مویه، پاییز، زمستان، دژخیم، سلول، زندانی، خسته، دود در دهه اول؛ اعدام، مردن، کشتگان، شب، روزه، ابر، آتش، آوار، سنگسار، شهر بند، شب، آتش، اغما، زمستان، مردگان در دهه دوم و سوخته، مرگ، شام، محنت، دشنه، بلوا در دوره سوم گواهی بر این امر است.<sup>(۱۹)</sup> بر این اساس حدود سی درصد از عنوان‌های ادبیات داستانی سه دهه اخیر به نوعی تداعی کننده رنج و درد و حرمان، زندان و ... هستند. همچنین در دهه سوم تنها هفت عنوان (۱۵٪) از مجموعه عنوان‌ها به مسئله درد و رنج اشاره دارند، در حالی که دوره دوم و اول به ترتیب ۱۵ عنوان (۴۵٪) و ۸ عنوان (۳۶٪) به صورت مستقیم به نوعی به مسئله درد و رنج اشاره کرده‌اند که البته این سیر نزولی می‌تواند گویای یک تحول گفتمانی و فکری و پیشرفت داستان‌نویسی در این عرصه باشد. یکی از دلایل کم شدن واژگان مربوط به درد و رنج در دوره‌های آخر به نسبت دوره‌های پیشین به این خاطر است که نویسندگان دو دهه اخیر برخلاف دوره‌های گذشته تجربیات داستان‌نویسی دو دهه را پشت سر گذارده‌اند و سعی دارند خواننده را به تأمل بیشتری وادارند که این تجربه در داستان‌نویسی در انتخاب عناوین داستان‌ها نیز به کار آمده است و خواننده نمی‌تواند با شنیدن/ خواندن نام این داستان‌ها به سیاسی بودن و لاجرم درد و رنج شخصیت‌های داستانی پی برد.

جدول ۹ بررسی عنوان‌های هر دوره با رویکرد معرفت‌شناسی و محتوایی

دوره	تعداد عنوان‌ها	دال بر درد و رنج	درصد به نسبت دوره
اول	۲۲	۸	۳۶٪
دوم	۳۳	۱۵	۴۵٪
سوم	۴۶	۷	۱۵٪
جمع	۱۰۱	۳۰	۳۰٪

یکی دیگر از نکات قابل تأمل در تحلیل نشانه-معناشناسی این عنوان‌ها علاوه بر حضور پر رنگ درد و رنج، با عنایت به تحلیل کیفی آن؛ توجه به نوعی تقابل در انتخاب عنوان داستان‌هاست. توضیح این امر گفتنی است در دانش نشانه‌شناسی، زبان (و متعلقات مربوط به آن نظیر آواها، واژگان، ترکیبات و...) نظامی از تمایزها و تقابل‌های نقش‌مند هستند و در چنین تحلیلی، اصل بر تقابل‌های دوتایی چون طبیعت/فرهنگ، مرگ/زندگی، روبنا/زیربنا است و بر همین اساس سوسور بر آن بود که عمدتاً مفاهیم نه به گونه‌ای ایجابی و به موجب محتوایشان که به گونه‌ای سلبی و از طریق تقابل با دیگر اجزاء همان نظام، ارزش می‌یابند (همان: ۲۳). با این توجه نام‌هایی چون خسته اما رهرو، آتش بدون دود؛ چراغانی در باد، زنان بدون مردان؛ زنده باد مرگ، ساعت گرگ و میش، هیاهوی پنهان، سپیده تا شام، دهکده بزرگ از این قبیل هستند و در درون هر بافت، نام‌ها به گونه‌ای انتخاب شده که دو واژه عمدتاً متقابل یا متناقض نما در کنار هم، قرار گرفته است تا این مفاهیم به گونه‌ای سلبی و از طریق تقابل با دیگر اجزاء همان نظام ارزش یابد. همچنین از یک سو در مجموعه عنوان‌های ادبیات داستانی سیاسی، عنوان‌هایی دیده می‌شود که دلالت بر ایستایی دارند چون سلول و زندانی، درخت‌ها ایستاده می‌میرند، سپری شده، صفر، آخر و از سویی دیگر از نام‌هایی بهره می‌گیرند که دال بر پویایی و حرکت که از این نمونه‌ها می‌توان به عنوان‌هایی چون سپیده، گام‌های پیمودن، مویه، رهرو، سپیده تا شام اشاره کرد. همچنین اگر از یک سو به رهایی انسان توجه کرده و این رویکرد را با اتخاذ عناوینی چون سپیده، پیمودن، رهرو، سفر، بلور، گریزگاه، سپیده، رهگذر، ساربان نشان داده‌اند؛ از سویی دیگر به بستگی و اسارت انسان نیز توجه کرده‌اند و این عدم رهایی و بندهای وجودی انسان را در عناوینی چون پاییز، زمستان، سلول، زندان، خسته، اعدام، می‌میرند، چاه، کشتگان، شهربند، اغما، زمستان، مردگان، صفر، عقل، سایه، جزیره، گیسو، پرتگاه منعکس کرده‌اند. نکته آخر اینکه یکی دیگر از مشخصه‌های بارز، گستردگی حضور زمان و ایام در عنوان‌های منتخب است. گذر زمان و ایام عمر در عنوان‌هایی چون سپیده، قصه‌ای پاییزی، سگ و زمستان بلند؛ طوبا و معنای شب، سالهای ابری، روزگار سپری شده مردم سالخورده اقلیم باد، زمستان ۶۲؛ دهم خرداد پنجاه و دو، ساعت گرگ و میش، سپیده تا شام، یک عمر، ساعت چهار آن روز، سال بلوا، بازی آخر بانو از این قبیل هستند.



## نتیجه‌گیری

ساختار یک متن و اجزای تشکیل دهنده آن با عنوان‌های آن ارتباط تنگاتنگی دارند. بررسی زبانی و تاریخی مجموعه ۱۰۱ اثر در حوزه ادبیات داستانی سیاسی نشان می‌دهد که بیست و دو عنوان مربوط به دهه اول، سی و سه عنوان مربوط به دهه دوم و چهل و شش عنوان مربوط به دهه سوم است. با توجه به رویکرد زبانی در دهه اول ۱۸٪ ساخت واژه‌ای و ۴۰٪ گروه‌های دو جزئی و ۳۱٪ گروه‌های نحوی سه جزئی و ۹٪ ساخت جمله دارند. در حالی که در دهه دوم ۰٪ ساخت واژه‌ای، ۵۵٪ گروه‌های دو جزئی ۳۹٪ گروه‌های نحوی سه جزئی و ۶٪ ساخت جمله داشته‌اند. در دهه سوم نیز ۱۱٪ ساخت واژه‌ای ۴۱٪ گروه‌های دو جزئی ۴۶٪ گروه‌های نحوی سه جزئی و ۲٪ ساخت جمله دارند. بررسی تکنیکی این عنوان‌ها نیز نشان می‌دهد در دهه اول بیشتر عنوان‌های ادبیات داستانی از نوع ساده و یک معنایی و فاقد آرایه ادبی و صور زیباشناختی هستند و غالباً به یک معنا به کار رفته و در حال و هوای رئالیستی نوشته شده‌اند و نام‌هایی هم که برای آنها انتخاب می‌شوند با توجه به فضای حاکم بر داستان زود یابند. در حالی که در دوره دوم غالب عنوان‌های این دوره، نیاز به تأمل و تدبر بیشتر دارند. بخشی از این ابهام و چند پهلو بودن به ساختار صرفی و نحوی عنوان‌ها بر می‌گردد که عمدتاً دو یا سه جزیی انتزاعی‌اند. یکی از عناصر زیباشناسی در عنوان‌های این دوره برخلاف دوره قبل استفاده از شگردهای زیباشناختی از جمله تشخیص و استعاره مکنیه، ابهام و ابهام است که هر چه به دوره سوم نزدیک می‌شویم عنوان‌ها ابهام و ابهام بیشتری دارند. همچنین نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که در میان این عنوان‌ها، گرایش عمده به سمت عنوان‌های ذهنی و اسم معنا است که در برابر اسامی ذات و حسی قرار می‌گیرند. شاید یکی از دلایل انتزاعی بودن غالب این عناوین، کثرت عنوان‌های ترکیبی است که خود شامل عناوین دوجزیی (۴۵ عنوان)، سه جزیی (۴۲ عنوان) و جمله (۵ عنوان) می‌شود. در مقابل عنوان‌های ترکیبی (۸۷) و عنوان‌های در قالب جمله (۵)، عنوان‌های با ساخت واژه‌ای قرار دارند (۹ عنوان) که با توجه به نوع و جریان حاکم بر اثر دارای بار نمادین هستند و لذا به دلیل همین چند پهلو بودن می‌توانند از بار انتزاعی نیز برخوردار باشند. بررسی عنوان‌های هر دوره با رویکرد معرفت‌شناسی و محتوایی نیز نشان می‌دهد که از این مجموعه؛ یکی از موضوعات پربسامد در عنوان‌ها توجه به مسئله درد و رنج

انسان است. با عنایت به مفهوم درد و رنج و بار معنایی آن؛ به جرئت می‌توان گفت یکی از پربسامدترین مفاهیم در عنوان‌های این سه دهه است که نویسندگان با آن درگیر بودند. اگر با رویکرد عام و فراگیر به مفهوم درد و رنج نگاه کنیم در می‌یابیم که تحقیقاتی سی عنوان (حدود ۳۰ درصد) به صورت مستقیم با این مفهوم ارتباط دارند که به نوعی تداعی کننده رنج و درد و حرمان، زندان و ... هستند. همچنین در دهه سوم تنها هفت عنوان (۱۵٪) از مجموعه عنوان‌ها به مسئله درد و رنج اشاره دارد، در حالی که دوره دوم و اول به ترتیب چهارده عنوان (۴۵٪) هشت عنوان (۳۶٪) به صورت مستقیم به نوعی به مسئله درد و رنج اشاره کرده‌اند که البته این سیر نزولی می‌تواند گویای یک تحول گفتمانی و فکری و پیشرفت داستان‌نویسی در این عرصه باشد. یکی دیگر از نکات قابل تأمل در این زمینه، توجه به نوعی تقابل در انتخاب عنوان داستان‌هاست که از یک سو در مجموعه نام‌ها، عنوان‌هایی دیده می‌شود که دال بر ایستایی دارند و از سویی دیگر از نام‌هایی بهره می‌گیرند که دال بر پویایی و حرکت و از یک سو به رهایی انسان توجه و از سویی دیگر به بستگی و اسارت انسان نیز اشاره کرده‌اند.

### پی‌نوشت

۱. تنها اثر پژوهشی قابل استناد در این حوزه مقاله استاد شفیع کدکنی با نام «عنوان‌شناسی شعر شاعران عرب» است که در کتاب زمینه‌های اجتماعی شعر فارسی چاپ شده است (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۴۴۰-۴۴۸).
۲. در این باره ر. مقاله معناشناسی نام داستان‌ها و رمان‌های جنگ اثر علیرضا صدیقی که در کتاب گذری بر ادبیات داستانی دفاع مقدس در حال انتشار است.
۳. واژه سمانتیکس در زبان‌شناسی در تعارض با نحو (روابط صوری یک نشانه با نشانه دیگر بدون در نظر گرفتن معنای آنها) و پراگماتیکس (استفاده از زبان در موقعیت عملی و محسوس) است. همچنین در فرهنگ کالینز سمیوتیکس مطالعه نشانه‌ها و نمادها است (کوثری، ۱۳۸۷: ۵۶-۳۱).
۴. واژه semiotics یا در فرانسوی semiology عمدتاً از آراء سوسور و پیرس نشات گرفته است. سوسور نشانه را پدیده‌ای دوسویه تعریف می‌کرد و آن را رابطه‌ای ساختاری میان دال و مدلول می‌انگاشت. در حالی که پیرس بر آن بود که نشانه از رهگذر رابطه‌ای که با موضوع و تعبیر خود دارد ساخته می‌شود (مکاریک، ۱۳۸۵: ۳۲۹). این اصطلاح را اولین بار جان لاک در رساله در باب فهم بشری به کار برد. او بر آن بود که نظریه‌ای درباره رابطه

۵. میان اندیشه‌ها و نشانه‌ها با نام نشانه‌شناسی ساخته شود (همان: ۳۲۶).
۵. نشانه‌ها گونه‌هایی منعطف، سیال، پویا، تغییرپذیر، متکثر و چند بعدی است که این ویژگی‌ها سبب شده است که معناها نیز به تبعیت از نشانه‌ها امری تثبیت نشده و تحول‌پذیر، پویا و چند وجهی باشد (شعیری، ۱۳۸۵: ۲۲۵).
۶. این اصطلاح را از کتاب تجزیه و تحلیل نشانه-معناشناختی گفتمان اثر حمیدرضا شعیری وام گرفته ام.
۷. عنوان‌ها بر اساس نام نویسندگان به قرار ذیل است: «به سوی مردم» (۱۳۲۷)، «دختر رعیت» (۱۳۳۱) محمود اعتمادزاده (م.ا. به آذین) // «آتش بدون دود» نادر ابراهیمی // «یک شهر» (۱۳۶۰)، «مدار صفر درجه» (۱۳۷۳)، «زمین سوخته» (حوادث ۱۳۵۷) احمد محمود (احمد اعطا) // «همسفرها» (۱۳۶۷)، «محکوم به اعدام» (۱۳۷۰) علی محمد افغانی // «مویه زال» (تا ۱۳۵۷ اجازه چاپ نداشت)، «چراغانی در باد» (۱۳۶۸) احمد آقایی // «قصه‌ای پاییزی» (قبل انقلاب)، «مادرم بی بی جان» (قبل از انقلاب) اصغر // «درخت‌ها ایستاده می‌میرند» (۱۳۶۵)، مصطفی امیر کیانی // «ناقه دار» (۱۳۷۷) انور ایران زاده // «زنده باد مرگ» (۱۳۷۵) ناصر ایرانی // «بعد از عروسی چه گذشت» (۱۳۶۱)، «چاه به چاه» (۱۳۶۲)، «آواز کشتگان» (۱۳۶۲) و «رازهای سرزمین من» (۱۳۶۶) رضا براهنی // «گریزگاه درون» (۱۳۸۰)، علی بهزادی // «سگ و زمستان بلند» (۱۳۵۵)، «طوبوا و معنای شب» (۱۳۶۷)، «زنان بدون مردان» (۱۳۶۸)، «عقل آبی» (۱۳۷۴)، «آداب صرف چای در حضور گرگ» (۱۳۷۲)، «گرما در سال صفر» (۱۳۸۲) «مردان در برابر زنان» (۱۳۸۳) شهرنوش پاریسی پور // «دهم خرداد پنجاه و دو» (۱۳۷۲)، «ساعت گرگ و میش» (۱۳۷۸) محمد رضا پورجعفری // «هیاهوی پنهان» (۱۳۷۹) حسن پورصفر // «نسل از یاد رفته» (۱۳۶۰) ناصر پورقمی // «دژخیم» (۱۳۵۹) محمد تهرانی // «تندیس و رویای گل آبی» (۱۳۸۰) مسعود تهرانی // «روضه قاسم» (۱۳۷۰) آلمان) «تهران شهر بی آسمان» (۱۳۸۰) امیرحسن چهل تن // «سپیده تا شام» (۱۳۸۰) علی اصغر حاج سید جوادی // «ملاقاتی‌ها» (۱۳۵۹) محسن حسام // «سپیده» (۱۳۵۹) «در پی آن خیابان بی رهگذر» (۱۳۷۵) «سایه‌های روی دیوار» (۱۳۸۰) «پروانه روی سینه آقای دکتر» (۱۳۸۱) «غم آخر» (۱۳۸۳) مرتضی حقیقت // «گام‌های پیمودن» (۱۳۶۰) نسیم خاکسار // «محنث آباد» (۱۳۷۹) انور خامه‌ای // «میکروفون شماره ۴» (۱۳۷۸)؛ «دهکده بزرگ» (۱۳۷۹) ناصر خدایار // «عصیان زده» (۱۳۷۹) محمد جلال داداری // «بحث سیاسی ممنوع یا هفت داستان» (۱۳۶۷) محسن دامادی // «به کی سلام کنم» ۱۳۵۹ «از پرنده‌های مهاجر» ۱۳۷۶

«صورتخانه» ۱۳۶۸ «سوترا و داستان‌های دیگر» ۱۳۷۳ «ساربان سرگردانی» ۱۳۸۰ و «جزیره سرگردانی» ۱۳۷۲ «سیمین دانشور» // «خسرو خوبان» (۱۳۷۳) رضا دانشور // «جاسوس» (۱۳۷۹) «کبوترهای چاهی» (۱۳۷۴) «قابلمه گلاب خانم» (۱۳۷۸) «سرها» (۱۳۷۶) «مجید درخشانی» // «سال‌های ابری» (۱۳۷۰) «سلول ۱۸» (۱۳۵۹) «علی اشرف درویشیان» // «کلیدر» (۱۳۵۷) نوشته شد و تا ۱۳۶۳ طول کشید، «روزگار سپری شده مرم سالخورده اقلیم باد» (۱۳۶۹)، «سلوک» (۱۳۸۲) و... و «آوسنه بابا سبحان» (۱۳۴۷) و «جای خالی سلوچ» (۱۳۵۸) «محمود دولت‌آبادی» // «گیسو» (۱۳۷۲) «قاضی ربیحاوی» // «دشنه و سیب گمشده» (۱۳۷۹) «پرویز رجبی» // «خیال خال دوست» (۱۳۸۰) «شهر رفیعی پور» // «کولی کنار آتش» (۱۳۷۸) «منیرو روانی پور» // «غریبه در شهر» (۱۳۶۹) و «تاتار خندان» (۱۳۷۳) «غلامحسین ساعدی» // «بازی آخر بانو بلقیس سلیمانی» // «سال‌های اصغر» (۱۳۵۷) «عطر مردگان» (۱۳۷۰) ناصر شاهین پر // «پاگرد (وقایع دانشگاه تهران) محمد حسن شهبسوار» // «طلب آتش» (۱۳۷۰) «علی اصغر شیرزادی» // «ثریا در اغما» و «زمستان ۶۲» «اسماعیل فصیح» // «آبی و صورتی» (۱۳۸۳) «ناهد طباطبایی» // «موریانه» (۱۳۷۲) «روایت» (۱۳۷۷) «بزرگ علوی» // «خانه ادیسی‌ها» (۱۳۷۰) «غزاله علیزاده» // «صندوق راز» (۱۳۸۰) «آزیتا قراگزلو» // «یک عمر» (۱۳۷۳) «آواز نان» (۱۳۶۷) «سنگسار» (۱۳۶۶) «زندانی» (۱۳۵۹) «خسته اما رهرو» (۱۳۵۸) «داریوش کارگر» // «جبه خانه» ۱۳۶۲ / بر ما چه رفته است بارید هوشنگ گلشیری // «پرتگاه» (۱۳۸۰) «قاسم لاربن» // «ساعت ۴ آن روز» (۱۳۷۹) «مهین محتاج» // «باغ بلور و حوض سلطون» «محسن مخملباف» // «آتش هست» (۱۳۸۲) «مهشید مشیری» // «دیوساران» (۱۳۵۹) «از دل به کاغذ» (۱۳۶۹) «شهربندان» (۱۳۶۶) «شب ملخ» (۱۳۶۹) «مومیایی» (۱۳۷۲) «عباس مجابی» // «رویای سرخ» (۱۳۷۷)؛ محمود مفیدی // «حاجی زاده» (۱۳۵۸) «نبریز طوفانی» (۱۳۸۲) در توصیف سال‌های ۱۳۱۸-۱۳۲۴ «سعید منیری» // «خانه امن» (۱۳۸۱) «ابراهیم نبوی» // «خانه اشباح» (۱۳۸۰) مانا نیستانی // «آخرین نسل برتر» را در سال ۱۳۶۵ «فریدون سه پسر داشت» (حوادث انقلاب سال ۵۷) سمفونی مردگان، سال بلوا و پیکر فرهاد سید عباس معروفی // «آتش از آتش» (۱۳۶۴) جمال میر صادقی // «جبه خانه» (۱۳۶۲) «بره گمشده راعی» (۱۳۵۶) «بر ما چه رفته است بارید» هوشنگ گلشیری // «سهراب کشان، بهشت خاکستری و... عطاء الله مهاجرانی».

۸. وقتی هزار یا بیشتر از هزار مجموعه شعر را از این دیدگاه، یعنی از دیدگاه «نام مجموعه‌ها» طبقه‌بندی، تجزیه و تحلیل و این طبقات را بر ادوار تاریخی یک قرن توزیع کنیم،

در خواهیم یافت که در مجموع در هر دوره‌ای چه نوع حال و هوایی حاکم بوده است. ... و هیچ ضرورتی ندارد که برای تحلیل ساحت‌های جمال‌شناسی یک شاعر حتماً دیوان‌های او خوانده شود، می‌توان از روی نام کتاب‌ها، ذهنیت او را تحلیل کرد» (شغیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۴۴۲).

۹. حداقل و قید احتمال به این خاطر که بر اساس آمار کتاب فرهنگ داستان‌نویسان از آغاز تا امروز اثر حسن میرعابدینی این فهرست عرضه شده است و طبیعتاً هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند که تمام رمان و ادبیات داستانی سی ساله اخیر را خوانده است. لذا این حصر از سنخ حصر استقرایی بوده و نویسنده این مقاله هم ادعا ندارد رمان‌های سیاسی بیش یا کمتر از این است. لذا در این اصل با خوانندگان باید به تفاهم رسید که مینا این گزارش کتاب یاد شده بوده است. لذا امکان دارد از یک سو در برخی از این آثار، تم سیاسی بر تم‌های دیگر غالب نباشد و یا از سویی دیگر رمان‌های سیاسی دیگر هم وجود داشته باشد که در احصاء شمارش نشده باشد. با این حال آنچه میان فرهنگ‌های داستان‌نویسی معاصر قابل استناد است همین اثر است.

۱۰. (۱۳۵۵): «سگ و زمستان بلند»؛ (۱۳۵۶): «بره گمشده راعی»؛ (۱۳۵۷): «مویه زال»، «کلیدر»، «سال‌های اصغر»؛ (۱۳۵۸): «قصه‌ای پاییزی»، «مادرم بی بی جان»، «جای خالی سلوچ»، «خسته اما رهرو»، «حاجی زاده»، «بر ما چه رفته است باربد»؛ (۱۳۵۹): «دژخیم»، «ملاقاتی‌ها»، «سپیده»، «به کی سلام کنم»، «سلول ۱۸»، «زندانی»، «دیوساران»، «آتش بدون دود»؛ (۱۳۶۰): «نسل از یاد رفته»، «گام‌های پیمودن»، «یک شهر».

۱۱. تفاوت ابهام و ایهام در این است که ابهام معمولاً وقتی عارض یک لفظ شد عارض معادل‌های آن لفظ در همه زبان‌های دیگر هم می‌شود. اما ایهام چنین نیست. نکته دوم اینکه ایهام در میان تعابیر زبانی فقط شامل حال واژه‌ها می‌شود. اما ایهام شامل عبارت‌ها و جمله‌ها هم می‌شود. اما غموض وقتی است که مخاطب در نظر گرفته نشود اما ابهام و ایهام کمتر وابستگی به طرف مقابل دارد.

۱۲. منظور از واژه، کلمه‌های ساده، واژه‌های اشتقاقی و تصریفی است.

۱۳. این دو جزء به کار رفته به صورت «اسم با وابسته‌های پسین و پیشین آن» و یا «اسم با حروف اضافه» است.

۱۴. این عنوان‌ها به صورت هسته و وابسته‌های پیشین و پسین و همچنین همراه با متمم‌ها و حرف‌های اضافه است.

۱۵. (۱۳۶۱): «زمین سوخته»، «بعد از عروسی چه گذشت»؛ (۱۳۶۲): «چاه به چاه»، «آواز کشتگان»، «جبه خانه»، «ثریا در اغما»؛ (۱۳۶۳): «حوض سلطون»؛ (۱۳۶۴): «آتش از آتش»؛ (۱۳۶۵): «درخت‌ها ایستاده می‌میرند»، «آخرین نسل برتر»، «باغ بلور»؛ (۱۳۶۶):

«رازهای سرزمین من»، «سنگسار»، «شهربندان»، «زمستان ۶۲»؛ (۱۳۶۷): «همسفرها»، «طوبا و معنای شب»، «آواز نان»، «بحث سیاسی ممنوع یا هفت داستان»؛ (۱۳۶۸): «چراغانی در باد»، «زنان بدون مردان»، «سمفونی مردگان»، «صورتخانه»؛ (۱۳۶۹): «روزگار سپری شده مردم سالخورده اقلیم باد»، «غریبه در شهر»، «از دل به کاغذ»، «شب ملخ»؛ (۱۳۷۰): «محکوم به اعدام»، «روضه قاسم»، «سال‌های ابری»، «طبل آتش»، «عطر مردگان»، «خانه ادیسی‌ها»

۱۶. البته رئالیسم به این معنا که مجموعه حوادث آن، ریشه در رخداد‌های واقعی مشخص و تاریخی دارد. اگرچه در یک نگاه، به خاطر نگاه به آینده و جامعه آرمانی بعد از حکومت توتالیتار و نظامی، رنگ و بوی ایدالیستی هم دارد.

۱۷. (۱۳۷۱): «سال بلوا»؛ (۱۳۷۲): «دهم خرداد پنجاه و دو»، «آداب صرف چای در حضور گرگ»، «جزیره سرگردانی»، «گیسو»، «موریانه»، «مومیایی»؛ (۱۳۷۳): «مدار صفر درجه»، «خسرو خوبان»، «سوترا و داستان‌های دیگر»، «تاتار خندان»، «یک عمر»؛ (۱۳۷۴): «عقل آبی»، «کیوترهای چاهی»، «آوسنه بابا سبحان»، «پیکر فرهاد»؛ (۱۳۷۵): «زنده باد مرگ»، «در پی آن خیابان بی رهگذر»؛ (۱۳۷۶): «از پرنده‌های مهاجر»، «سرها»؛ (۱۳۷۷): «ناقه دار»، «روایت»، «رویای سرخ»؛ (۱۳۷۸): «ساعت گرگ و میش»، «میکروفون شماره ۴»، «قابلمه گلاب خانم»، «کولی کنار آتش»؛ (۱۳۷۹): «هیاهوی پنهان»، «محنت آباد»، «دهکده بزرگ»، «عصیان زده»، «جاسوس»، «دشنه و سیب گمشده»، «ساعت ۴ آن روز»؛ (۱۳۸۰): «گریزگاه درون»، «تندیس و رویای گل آبی»، «تهران شهر بی آسمان»، «سپیده تا شام»، «سایه‌های روی دیوار»، «ساربان سرگردانی»، «خیال خال دوست»، «بازی آخر بانو»، «صندوق راز»، «پرتگاه»، «خانه اشباح»، «فریدون سه پسر داشت»

۱۸. جان لاک در رساله در باب فهم بشری بر آن بود که دانش نشانه‌شناسی را با محوریت رابطه میان اندیشه‌ها و نشانه‌ها پایه‌گذاری کند (مکاریک، ۱۳۸۵: ۳۲۶).

۱۹. یکی از روش‌های تحلیل نشانه‌شناختی استخراج نشانه‌ها از متون و تحلیل نشانه‌شناختی آن است. در این روش، نشانه‌ها را که از کنار هم قرار دادن در یک محور افقی معنای کلی متن حاصل می‌شود؛ باید استخراج و معنای آنها را کشف کنیم. یکی از راه‌های اینکه بفهمیم تحلیل نشانه‌شناختی ما درست بوده این است که نشانه‌های موجود در متن را برداریم و به جای آن، نشانه دیگر (نقطه مقابل آن) بگذاریم. مثلاً اگر در تحلیل نشانه‌شناختی تبلیغات پودر رختشویی، رنگ سفید به کار رفته که نشانه تمیزی و... است؛ رنگ سیاه به کار می‌رفت، متوجه می‌شویم در تحلیل نشانه سفیدی در متن حاضر (پاکیزگی) بیره نرفته‌ایم (کوثری، ۱۳۸۷: ۴۹).

## منابع

- احمدی، امید علی (۱۳۸۶) مصرف ادبیات داستانی ایرانیان، پژوهشگاه فرهنگ و هنر. پاینده، حسین (۱۳۸۵) نقد ادبی و دموکراسی، تهران، نیلوفر.
- جلایی‌پور، حمید رضا (۱۳۸۱) جامعه‌شناسی جنبش‌های اجتماعی، طرح نو.
- دانسی، مارسل (۱۳۸۷) نشانه‌شناسی رسانه‌ها، گودرز میرانی و بهزاد دوران، تهران، چاپار.
- دستغیب، عبدالعلی (۱۳۸۳) کالبدشکافی رمان فارسی، سوره.
- سجودی، فرزانه (۱۳۸۴) نشانه‌شناسی و ادبیات، تهران، فرهنگ کاوش.
- سجودی، فرزانه (۱۳۸۷) نشانه‌شناسی کاربردی، تهران، علم.
- سلطانی، سید علی اصغر (۱۳۸۴) قدرت، گفتمان و زبان، نی.
- شعیری، حمیدرضا (۱۳۸۵) تجزیه و تحلیل نشانه-معناشناختی گفتمان، سمت.
- شفیعی کدکنی، محمد رضا (۱۳۸۶) زمینه اجتماعی شعر فارسی، تهران، اختران.
- صفوی، کورش (۱۳۷۴) از زبان‌شناسی به ادبیات، جلد ۱، تهران، چشمه.
- ضیمران، محمد (۱۳۷۹) ژاک دریدا و متافیزیک حضور، تهران، هرمس.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹) تحلیل انتقادی گفتمان، مترجمان فاطمه شایسته و دیگران، تهران، اختران و زمانه.
- کوثری، مسعود (۱۳۸۷) «نشانه‌شناسی رسانه‌های جمعی»، مجله رسانه، سال ۱۹، ش ۷۳، ۳۱-۵۶.
- گودرزی، محمد رضا (۱۳۸۶) بازتاب سیاست در ادبیات داستانی معاصر (از ۱۳۷۶ تا پایان آبان ماه ۱۳۸۳)، پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ.
- گیرو، پی‌یر (۱۳۸۷) نشانه‌شناسی، محمد نبوی، چاپ سوم، تهران، آگه.
- مکاریک، ایرنا ریما (۱۳۸۵) دانش نامه نظریه‌های ادبی معاصر، مه‌ران مهاجر و محمد نبوی، چاپ دوم، آگه.
- میرفخرایی، تژا (۱۳۸۳) فرایند تحلیل گفتمانی، مرکز تحقیقات رسانه‌ها.
- میرعابدینی، حسن (۱۳۸۳) صد سال داستان‌نویسی ایران، حسن میرعابدینی، جلد ۴، تهران، چشمه.
- میرعابدینی، حسن (۱۳۸۶) فرهنگ داستان‌نویسان از آغاز تا امروز، تهران، چشمه.
- نویمان، فرانتس و هربرت مارکوزه (۱۳۷۳) آزادی و قدرت و قانون، عزت‌الله فولادوند، خوارزمی.

